

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج (با رویکرد به مجموعه سیاهمشق)

عبداله مرادی*

دکتر مظاهر نیکخواه**

دکتر حسین خسروی***

چکیده

یکی از شیوه‌های تشخیص سبک و تمایز مکتب‌ها، بررسی صور خیال است. در این میان، تشبیه یکی از عناصر اصلی صور خیال در ادبیات هر ملتی است که بسیاری از صورت‌های دیگر از آن مایه می‌گیرند. از میان صور خیال که مهم‌ترین وجه تمایز سخن ادبی از غیر آن است، تشبیه جایگاه خاصی دارد. این عنصر ادبی در سیر تطور ادبیات فارسی، کارکرد خود را پیوسته حفظ کرده است. در شعر معاصر، هوشنگ ابتهاج یکی از شاعران برجسته معاصر به شمار می‌رود که در هر دو زمینه شعر سنتی و نو هنرنمایی کرده است. گرچه او در زمینه شعر نیمایی موفق عمل کرده، اما در میان تمام قالب‌های شعر فارسی، ارادت ابتهاج به غزل، آن هم غزل حافظ‌گونه، بیش از قالب‌های دیگر است. در این پژوهش، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، میزان موفقیت و هنرمندی ابتهاج در به کارگیری انواع تشبیه، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با وجود گرایش شاعر به شعر نو، وی در شاخصه‌های اصلی ادبیات هم‌چون خلق تصویرهای خیالی و به کارگیری عناصر تشبیه رویکردی سنتی داشته است. هم‌چنین، مشخص شد که شاعر با تکیه بر تشبیه در بازنمایی خودآگاه و ناخودآگاه گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و غنایی موفق عمل کرده است.

واژه‌های کلیدی

هوشنگ ابتهاج، غزل، مجموعه سیاهمشق، تشبیه، گفتمان.

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران.

*** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۳۸

یکی از جلوه‌های ذوق هر شاعر بزرگی، قدرت تخیل اوست که شاعر هنرآفرین با روحی لطیف و حساس از پدیده‌های زیبای طبیعت، متأثر گشته و تصویرهای خیال‌انگیز می‌آفریند. به عبارت دیگر، «خیال شاعرانه، با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری می‌کند و تصورات خود را از این راه به تماشا می‌گذارد». (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲) تجسم این موضوعات ذهنی و عاطفی از سوی شاعر موجب می‌شود تا خواننده از طریق تحلیل جریان‌ات پنهانی، روح شاعر را در برخورد با اشیا و مسایل هستی دریابد که این امر طبعاً در قالب تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه خودنمایی می‌کند، به طوری که «عبدالقاهر جرجانی، آن‌ها را به مانند مرکز و نقطه‌هایی می‌داند که تصرف در معانی بر گرد آن‌ها می‌گردد». (رستگارفسائی، ۱۳۶۳: ۱۴) از میان این عناصر، تشبیه به عنوان مؤثرترین ابزار تخیل «هسته اصلی و مرکزی خیال‌های شاعرانه است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان درمی‌آورد». (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴) تشبیه یکی از مباحثی است که در علم بیان، گستره وسیعی دارد و از نظر تعریف و انواع مختلف آن با اندک تفاوتی مورد اتفاق علمای علم بیان قرار گرفته است. تشبیه را از صور خیال در شعر دانسته‌اند که در دوره‌های مختلف، مورد توجه شاعران بسیاری واقع شده و آن‌ها با توجه به ذوق، عاطفه، اندیشه، قوه خیال و تأثیرپذیری از میراث ادبی پیش از خود، موفق به خلق گونه‌هایی از تشبیه شده‌اند. «مایه اصلی تشبیه، اغراق و خیال‌انگیزی است و این دو عنصر، تشبیه ادبی خیال‌انگیز را از مقایسه‌های ادبی تشبیه‌گونه، متمایز می‌کند و گفته‌اند فایده تشبیه، اغلب عاید مشبه می‌شود». (احمدنژاد، ۱۳۷۴: ۲۹) تشبیه اولین عامل تصویرآفرین در مباحث بیانی است که شاعر به وسیله آن جهان را زیباتر از آنچه هست، نشان می‌دهد و یکی از عناصر اصلی صور خیال در ادبیات هر ملتی به شمار می‌رود که بسیاری از صورت‌های دیگر به نوعی از آن مایه می‌گیرند. از استعاره که بگذریم، صورت‌هایی چون نماد و رمز نیز با واسطه مبنای خود را از تشبیه می‌گیرند. هم‌چنین، یکی از راه‌های تشخیص سبک‌ها و تمایز مکتب‌ها نیز، همین تشبیه است. به علاوه، یکی از راه‌های آشنایی با اندیشه شاعران

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ❏ ۵۹

و دستیابی به زوایای سایه‌روشن ذهن آنان، تحقیق و کاوش در تصاویر شعری آنهاست؛ چرا که این مهم، ملاک تمییز یک شعر تأثیرگذار از نظم معمولی محسوب می‌شود.

تشبیه با توجه به امکانات شعری ویژه‌ای که در اختیار شاعر قرار می‌دهد، در طول سال‌ها و سده‌ها که از عمر ادب فارسی می‌گذرد، مانایی‌اش را حفظ کرده و هم‌چنان در گستره ادب فارسی نقش ایفا می‌کند. در شعر معاصر، هوشنگ ابتهاج یکی از شخصیت‌های برجسته ادبی است که با بهره‌گیری از این عنصر ادبی، موفق به خلق تصاویر زیبا و شاعرانه شده و قدرت تخیل خود را توسعه بخشیده است. «در غزل فارسی معاصر، شعرهای سایه در شمار آثار خوب و خواندنی است. مضامین گوناگون و دلکش، تشبیهات و استعارات و صور خیال بدیع، زبان روان و موزون و خوش ترکیب و هماهنگ با غزل، از ویژگی‌های شعر اوست». (ساورسغلی، ۱۳۸۷: ۱۵۶) مهم‌ترین اندیشه حاکم بر شعر عصر ابتهاج، آزادی و وطن است که به خوبی از سوی شاعر تبیین شده است. در بین تشبیه‌های موجود در شعر ابتهاج به مناسبت طرح مسایل سیاسی و انتقادی، واژه‌های جدیدی که در زبان مردم راه یافته بود، در شعر وی به کار رفته است. (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۶۲) بنا بر این، تشبیهات در تبیین و القای بخش مهمی از تراوش‌های ذهنی شاعر اثرگذار بوده‌اند. در بررسی اشعار ابتهاج مشخص می‌شود که تشبیه بیش از سایر صورت‌های خیالی در شعر او کاربرد دارد. آنچه در مورد تشبیهات او اهمیت دارد، الگوی خاصی است که بر این تشبیهات حاکم است. منظور از این الگوی خاص، کاربرد غالب نوع خاصی از تشبیه است که بار گفتمانی دارد، به این معنی که در اغلب این تشبیهات، انعکاس ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... گاه پُررنگ و گاه کمرنگ دیده می‌شود و در اشعاری که درون‌مایه اجتماعی یا سیاسی دارند، اغلب، وجوه گفتمان‌مدار بیشتری به چشم می‌خورد. به همین سبب، رابطه‌ای تنگاتنگ بین این تشبیهات، روحیه شاعر و جامعه او وجود دارد. بسیاری از این تشبیهات شعری ابتهاج دارای ارزش‌های تجربی و یا دارای ارزش‌های بیانی هستند، به این معنی که بیان‌گر ایدئولوژی شاعرند و با تجربه مستقیم وی از رویدادهای زمان ارتباط مستقیم دارند. با بررسی این روابط، به تفسیر و تبیین رابطه بین

۶۰ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

تشبیهات شعری و تعاملات اجتماعی و تبیین ایدئولوژی و گفتمان شاعر پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر، بر پایه روش توصیفی - تحلیلی و بنا بر اهمیت تصویر، تشبیهات شعری ابتهاج از رهگذرهای مختلف تقسیم‌بندی شده و نمونه‌های شناسایی شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

- بازتاب کدام یک از انواع تشبیه در شعر ابتهاج برجسته‌تر بوده است و چرا؟

- چه گفتمان‌هایی از رهگذر تشبیه در مجموعه سیاه‌مشق طرح شده است؟

پیشینه پژوهش

ابتهاج در شعر معاصر شخصیت برجسته‌ای دارد. از این رو، سروده‌های او در پژوهش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. در این بین، برخی تحقیقات تنها به جایگاه صور خیال در شعر او پرداخته‌اند که در ادامه به آن اشاره می‌شود. غنی‌پور ملک‌شاه و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله خود از تشبیه و توصیف به عنوان دو ویژگی سبکی شعر ابتهاج یاد کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سایه شاعری وصف‌گرا و علاقه‌مند به تشبیه است. صفت و موصوف به شکل‌های متفاوت در کلام سایه ظاهر شده و بسامد استفاده از این ساخت‌های دستوری در اشعار نیمایی او بیشتر است. هم‌چنین، این شاعر در تشبیهات به وجه‌شبهه و آرایه استفاده می‌کند. توجه ویژه‌ای نشان داده است. اقبالی و علی‌محمد (۱۳۹۲)، در مقاله خود به تشبیه مضمیر در شعر سنت‌گرای معاصر و انواع و کارکردهای آن پرداخته‌اند و اشاره‌ای هم به شعر سایه داشته‌اند. از دید نویسندگان، ابتهاج در به‌کارگیری تشبیه مضمیر، بیش از همه به نوع تداعی توجه کرده و در این زمینه، نوآوری‌هایی داشته است.

در پژوهش‌های یادشده اشاره‌ای به گفتمان‌های برآمده از تشبیه در شعر ابتهاج نشده و پیرامون کارکرد این صورت خیالی در شکل‌گیری و تقویت اندیشه‌های مورد نظر شاعر نکته‌ای ذکر نشده است که این خلأ پژوهشی بر جنبه‌های نوآورانه تحقیق حاضر می‌افزاید و وجه تمایز آن را با تحقیقات دیگر مشخص می‌کند.

تشبیه در شعر ابتهاج

عناصر تشبیه

ابتهاج عناصر متعددی را در تشبیهات خود مورد توجه قرار داده است که شامل بخش گسترده‌ای از پدیده‌ها می‌شود. عناصر تشبیهات وی بیشتر جنبه حسی و عینی دارد. عناصری که شاعر جهت ساخت تشبیه از آن‌ها استفاده کرده است، به چهار بخش کلی تقسیم می‌شود:

صفات و خصایص انسانی

مشبه در این قسمت بیشتر شامل حالت‌های درونی، روحی و معنوی انسان یعنی عناصر انتزاعی و مفاهیم ذهنی مانند: عشق، غم، شادی، کینه، درد، اندیشه، تحمل، بی‌نیازی، شهامت، جوانمردی و... می‌شود، یعنی آنچه که به ذهن مرتبط است و از جهان مادی و ملموس به دور است. ابتهاج با هنرمندی از محیط پیرامونش کمک گرفته تا بتواند حالات روحی و روانی خود را به شکل ملموس‌تری به مخاطب القا کند.

این ره توبه زهد و علم نتوانی یافت گنج غم عشق را نشانی دگرست

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۹۹)

معشوق و اعضای وی

یکی از ویژگی‌های شاعر پرداختن به عشق‌های زمینی و جسمانی است. در توصیف عشق زمینی، جسمانی و لذت‌جویی‌های آن در سروده‌های ابتهاج، تشبیه نقش مؤثری ایفا می‌کند. تشبیهاتی که مشبه آن مربوط به معشوق است، در دو دسته کلی جای می‌گیرند:

الف) تشبیهاتی که مشبه آن‌ها خود معشوق است

تو آبی و من آتش وصل تو نمی‌خواهم این سوختنم خوش‌تر از سردی و خاموشی

(همان: ۲۴)

۶۲ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

ب) تشبیهاتی که مشبه آنها اعضای بدن معشوق است

حلقه گیسو به گرد گردنش حسرت‌نماست ای دریغا گر رسیدی دست من در گردنش

(همان: ۱۳)

صفای آینه روی آن پریشوش باد که با شکسته‌دلان از صفا دریغ نکرد

(همان: ۵۹)

طبیعت و عناصر طبیعی

این نوع تشبیهات در دیوان شاعر از تنوع خاصی برخوردار بوده و اغلب از نوع حسی به حسی است. سایه مانند بسیاری از شعرا با استفاده از عناصر طبیعت ظریف‌ترین حالات و تجربه‌های روحی خود را به تصویر کشیده است. وی در این گونه تشبیهات، از عناصر مختلفی به عنوان مشبه‌به استفاده کرده است.

به زیر ران طلب زین کنید اسب مراد که چون سمند زمین شد سپهر رام شما

(همان: ۱۱)

شاعر و متعلقات وی

در این گونه تشبیهات، ابتهاج همه متعلقات جسمی و ذهنی خود از قبیل: شعر، خوی و خصلت، افکار و اندیشه و اعضای بدن را به عناصر گوناگونی تشبیه کرده که اغلب با تفاخر همراه است. مشبه‌به‌های به کار رفته در این نوع تشبیه شامل جانداران، عناصر طبیعی، اشیا و... است.

ز سیل اشک من ای خواب من ندیده هنوز چه بستری تو که دریا کنار را مانی

(همان: ۳۸)

چنان‌که پیشتر بیان شد، در بین سروده‌های ابتهاج، تشبیه از مهم‌ترین صورت‌های خیالی به حساب می‌آید و تعداد بسیار زیادی از تابلوهای تصویری او را به خود اختصاص داده است.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۳۸

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ❏ ۶۳

این تصویرها بیشتر تجربه شخصی خود شاعر و حاصل نکته‌سنجی و توجه اوست. وی در کشف روابط بین اشیا و عناصر پیرامون خود مهارت خاصی دارد. نکته قابل توجه درباره این تشبیه‌ها آن است که از ساده‌ترین انواع تشبیه (حسی به حسی) گرفته تا سایر انواع آن، بسامد نسبتاً بالایی دارد.

انواع تشبیه از نظر حسی و عقلی

تشبیهات حسی

در اشعار ابتهاج از بین صورت‌های خیالی، تشبیه حسی به حسی، از بیشترین بسامد برخوردار است. از آن‌جا که بیشتر اشعار ابتهاج در قالب غزل سروده شده و وی جزء یکی از سکانداران غزل معاصر است، مشبه تشبیهات وی را خود شاعر، معشوقه و یا عناصر طبیعی تشکیل می‌دهد. تشبیه حسی به حسی در غزل سایه از فراوانی قابل توجه‌ای برخوردار است؛ چرا که در اشعار او جای تصویرهای عینی را حس و عاطفه پر کرده و همین تصاویر حسی است که به شعر وی وجه عاطفی می‌بخشد. این تشبیه در مجموعه غزلیات ابتهاج بالاترین بسامد یعنی ۱۳/۲۵ درصد را به خود اختصاص داده است. وی بیشتر خالق تشبیهات حسی به حسی است که تشبیهی معمول، مرسوم و متداول به شمار می‌رود و «و در ادبیات قدیم معروف به سبک خراسانی هم رایج بوده است». (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۴) بنا بر این، نشانه‌های سنت‌گرایی ابتهاج با نظر داشت تشبیهات حسی به حسی به اثبات می‌رسد.

گفتمش من آن سمند سرکشتم خنده زد که تازیانه با من است

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۷۲)

تشبیهات غیرحسی

تشبیه عقلی به حسی رایج‌ترین نوع تشبیه است؛ زیرا غرض از تشبیه، تقریر و توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد، مشبه معقول به خوبی در ذهن مجسم و تبیین

۶۴ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

می‌گردد. این نوع تشبیه کاربرد بیشتری نسبت به تشبیه حسی به عقلی دارد. بنا بر این، یکی از جنبه‌های هنری تشبیه، پیوند دادن معقولات به محسوسات است. «تصویر آنگاه جنبه هنری پیدا می‌کند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد». (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹) این نوع تشبیه، ۴/۷۹ درصد از تشبیهات ابتهاج را به خود اختصاص داده است.

شاعر در ابیات ذیل، ابتدا امید (مشبه عقلی) را به نهال (مشبه به حسی) تشبیه کرده است. هم‌چنین، در ادامه غم عشق را با توجه به گرفتاری‌هایش به دام تشبیه نموده و یک تشبیه عقلی به حسی خلق کرده است.

نسیم زلف تو تا نگذرد به گلشن دل کجا نهال امیدم به بار می‌آید

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۴۰)

چنان به دام غمت خو گرفت مرغ دلم که یاد باغ بهشتی درین قفس نرود

(همان: ۸۵)

در تشبیهاتی که محسوس به معقول تشبیه می‌شود، شدت اغراق بیشتر است؛ زیرا اقوی را که اصولاً اخفی از حسی است، به منزله اقوی تلقی می‌کنند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۰) به این دلیل که مضامین شعری ابتهاج بیشتر حسی و بیرونی است، کمتر به مسایل عقلانی و فلسفی توجه شده است. این نوع تشبیه ۰/۰۹ درصد از تشبیهات ابتهاج را دربر می‌گیرد.

گذشتم از تو که ای گل چو عمر من گذرانی چه گویمت که به باغ بهشت گم شده مانی

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۴۱)

تشبیهات عقلی

در شعر ابتهاج، تشبیه عقلی به عقلی نسبت به بقیه تشبیهات، کمترین بسامد را در میان انواع تشبیه داراست؛ زیرا توصیفات و تشبیهات، بیشتر حسی و عینی هستند. ابتهاج در این نوع تشبیه، امری نامحسوس را به امری محسوس تشبیه می‌کند. ۰/۴۱ درصد از مجموع تشبیهات در شعر ابتهاج، عقلی است. این ساختار بسامد کمتری را نسبت به ساختارهای دیگر دارد.

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ❏ ۶۵

درمان درد عشق صبوری بود ولی با من چرا حکایت سنگ و سبو کنی

(همان: ۵۷)

تشبیهات شعری به اعتبار ادات

تشبیه مرسل و مؤکد

در تشبیه مرسل، ادات تشبیه ذکر می‌شود و در تشبیه مؤکد ادات ذکر نمی‌شود. حدود ۷/۵ درصد تشبیهات ابتهاج با ذکر ادات آمده‌اند و حدود ۱۰/۶۲ درصد بدون ادات. این موضوع نشان می‌دهد که شاعر بیشتر در پی روایت و توصیف است و کمتر در پی سرودن شعر و هنرنمایی؛ زیرا نبود ادات تشبیه یک قدم دریافت تشبیه را آسان‌تر می‌کند. شعر ابتهاج، صبغه سیاسی و اجتماعی دارد، به این معنی که تصویرگر مسایل سیاسی است و مهم‌ترین نکته در شعر سیاسی، رسانگی معنایی و برقراری سریع ارتباط با مخاطب است و از آنجا که مخاطب اشعار اجتماعی توده مردم هستند، شعر باید از پیچیدگی و دشواری دور باشد تا سریع‌تر با مردم ارتباط برقرار کند. بنا بر این، یکی از دلایل سادگی تشبیهات و ذکر ادات را می‌توان همین امر دانست.

در خراب آباد دنیا نامه‌ای بی‌نگ نیست از من خلوت نشین نام و نشانی گو مباش

(همان: ۵۸)

تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین

تشبیه مفرد به مفرد

تشبیه‌های مفرد از جمله موارد پرتکرار در اشعار ابتهاج به شمار می‌رود. این تشبیه ۱۱/۴۵ از کل تشبیهات غزل‌های ابتهاج را به خود اختصاص داده است.

به سرشک هم‌چو باران ز برت چه برخوردارم من که چو سنگ تیره ماندی همه عمر بر مزاری

(همان: ۳۳)

تشبیه مفرد به مقید

در این نوع تشبیه، مشبه مفرد همراه مشبه‌به مقید آورده می‌شود. بسامد این نوع تشبیه در مجموعه اشعار ابتهاج ۶/۰۴ درصد است.

هنوز چشم مرادم رخ تو سیر ندیده هوا گرفتگی و رفتگی ز کف چو مرغ پریده

(همان: ۳۱)

مفرد به مرکب

سهم استفاده از این گونه تشبیه در شعر ابتهاج، ۱/۲۵ درصد است که چندان بالا نیست. گذشته‌ای ای مه ناسازگار زودگذر که روزهای خوش روزگار را مانی

تشبیه مرکب به مفرد

مناز این همه‌ای مدعی به صحبت یار که پیش آن گل نورسته خار را مانی

(همان: ۳۸)

تشبیه به اعتبار وجه‌شبه

تشبیه مجمل و مفصل

وجه‌شبه در تشبیه اهمیت ویژه‌ای دارد. وجه‌شبه به انواعی از قبیل: تخیلی، حسی، عقلی، مفرد و مرکب و متعدد تقسیم می‌شود. (طیبیان، ۱۳۸۸: ۲۹۳) اگرچه میزان حسن و قبح تشبیه تا حدودی به ذوق و پسند عام بستگی دارد، اما معمولاً هرچه وجه‌شبه دیرپاب‌تر باشد، از ابتدال دورتر خواهد بود و درجه هنری آن نیز بیشتر است. این موضوع از طریق وجه‌شبه مشخص می‌شود. تشبیه اگر با ذکر وجه‌شبه باشد، مفصل و اگر بدون ذکر آن باشد، مجمل نامیده می‌شود. حدود ۱۲/۷۵ درصد تشبیهات در غزلیات ابتهاج، تشبیه مجمل یا فشرده هستند،

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج □ ۶۷

به این معنی که به وجه‌شبه آن‌ها اشاره نشده است، هرچند اغلب این تشبیهات ساده بوده و وجه‌شبه آن‌ها را به راحتی می‌توان حدس زد. ۵/۲۰ درصد تشبیهات نیز با ذکر وجه‌شبه‌آمده‌اند.

نور چو فواره زند بوسه بر این باره زند رشک سلیمان نگر و غیرت جمشید مرا

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۱۰۶)

چو غنچه تنگدلی هرگزش مباد آن گل که بوی خوش ز نسیم صبا دریغ نکرد

(همان: ۵۹)

وجه‌شبه تحقیقی و تخیلی

وجه‌شبه تحقیقی آن است که شباهت مورد نظر در هر دو طرف تشبیه، واقعی و حقیقی باشد. وجه‌شبه تخیلی آن است که شباهت مورد نظر در هر دو طرف یا یکی از طرفین تشبیه خیالی باشد و نه واقعی. حدود ۹/۵۸ درصد وجه‌شبه‌ها در تشبیهات ابتهاج از نوع تحقیقی هستند و ۸/۱۲ درصد از نوع تخیلی. بدیهی است که ذهن شاعر بیش از این‌که درگیر خیالات دور و دراز باشد، معطوف به مسایل حسی و واقعی بوده است. به همین سبب، اکثر تشبیهات مربوط به‌امور شناخته شده هستند.

-وجه‌شبه تحقیقی

چون شب سیاه کردی بر سایه روز روشن بر آن مه دو هفته زلف دو تا مگستر

(همان: ۲۳)

-وجه‌شبه تخیلی

سایه در پای تو چون موج چه خوش‌زار گریست که سر سبز تو خوش باشد، کنار تو بمان

(همان: ۸۴)

تشبیه به اعتبار ساختار ظاهری

تشبیه مفروق

در این تشبیه، «چند مشبه و مشبه‌به داریم، اما هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است». (شمیسا، ۱۳۷۲: ۴۸) این نوع تشبیه، سبب خیال‌انگیزی و کوشش ذهنی مخاطب می‌شود. سهم استفاده ابتهاج از این نوع تشبیه ۱/۲۵ درصد است. در بیت ذیل، معشوق به غنچه و من به عندلیب تشبیه شده و هر مشبه به دنبال مشبه‌به خود آمده است.

تو غنچه بودی و من عندلیب باغ تو بودم کنون به خواری‌ام ای گلبن شکفته چه رانی

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۴۲)

تشبیه مضمّر

یکی از زیباترین گونه‌های تشبیه، مضمّر است؛ «زیرا در آن، شاعر کلام را طوری می‌آورد که گویی خیال تشبیه ندارد و همین امر سبب می‌شود که ذهن مخاطب بیشتر به جستجو می‌پردازد و ارتباط را با دقت دنبال می‌کند». (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۱) این تشبیه ۱/۲۰ درصد از تشبیهات اشعار ابتهاج را به خود اختصاص داده است. در بیت ذیل، سر زلف بتان به طرزی هنرمندانه به حلقه تشبیه شده و در بیتی دیگر، صورت و رخسار معشوق به آینه تشبیه شده است.

هر دم از حلقه عشاق، پریشانی رفت به سر زلف بتان، سلسله دارا تو بمان

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۴۲)

آینه خورشید شود پیش رخ روشن او تاب نظر خواه بین کاینه تایید مرا

(همان: ۱۰۶)

تشبیه تفضیل

تشبیه تفضیل آن است که شاعر مشبه را به مشبه‌به مانند کند، سپس آن را به نوعی بر مشبه‌به برتری دهد. در این تشبیه، شاعر «نه تنها مشبه را به مشبه‌به ترجیح می‌دهد، بلکه همان

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ❏ ۶۹

خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب می‌نماید و جنبه منفی و حداقل کم‌خاصیتی و انفعال بدان نسبت می‌دهد و رابطه طرفین مبدل به تضاد و تقابل می‌گردد». (طالبیان و محمدی‌افشار، ۱۳۸۴: ۳۴) سهم استفاده ابتهاج از این نوع تشبیه ۱/۲۰ درصد است. در بیت ذیل، شاعر معشوقه خود را در ابتدا به مهتاب و سپس به سرو روان تشبیه نموده است.

خوشا به پای تو سر سودنم چو شاهد مهتاب ولی تو سایه برانی ز خود که سرو روانی

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۴۲)

تشبیه بلیغ

در اشعار ابتهاج، نمونه‌هایی از تشبیه بلیغ مشاهده می‌شود. تشبیه بلیغ به دو صورت اضافی و غیراضافی به کار می‌رود. نوع اضافی آن، در دستور زبان فارسی، اضافه تشبیهی نامیده می‌شود. این تشبیه ۸/۹۵ درصد از تشبیهات اشعار ابتهاج را به خود اختصاص داده است:

تنور سینه سوزان ما به یاد آرید کز آتش دل ما پخته گشت خام شما

(ابتهاج: ۱۱)

فروغ گوهری از گنج خانه دل ماست چراغ صبح که بر می‌دمد ز بام شما

(همان: ۱۲)

تشبیه بلیغ گاهی نیز به صورت غیراضافی آورده می‌شود، به این معنی که دو رکن تشبیه و مشبیه به هم اضافه نمی‌شود و نمونه‌هایی از آن در شعر ابتهاج نیز وجود دارد. مانند ابیات ذیل که در آن، «من» (شاعر) به نال خوش نوا و آتش تشبیه شده است.

من نالی خوش‌نوایم و خاموش ای دریغ لب بر لبم بنه که نواهاست در دلم

(همان: ۱۸)

تو آبی و من آتش وصل تو نمی‌خواهم این سوختنم خوش‌تر از سردی و خاموشی

(همان: ۲۴)

تشبیه تمثیل

یکی از زیباترین و پیچیده‌ترین انواع تشبیه، نوع تمثیلی آن است. «تشبیه تمثیل، به راستی گونه‌پرورده و گسترده تشبیه‌امیغی (ترکیبی) است و پرمایه‌ترین و هنری‌ترین گونه تشبیه نیز، همان تواند بود». (کزازی، ۱۳۷۵: ۵۷) سهم این تشبیه در شعر ابتهاج ۱/۲۵ درصد است.

سپر از سایه خورشید قدح کن زان پیش کز کماندار فلک تیر شهابی بخوریم
(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۹۲)

ز چاه غصه رهایی نباشدت، هر چند به حسن یوسف و تدبیر تهمت باشی
(همان: ۹۶)

تشبیه به اعتبار بار عاطفی

تشبیهات با بار عاطفی، یکی از ویژگی‌های سبکی ابتهاج است که از عاطفه و نهاد او برمی‌خیزد. در این تشبیهات، یکی از طرفین تشبیه احساسات یا احوال انسانی از قبیل: غم، بغض، حسرت، شادی را بیان می‌کنند. به سخن دیگر، هر یک از این واژگان، زنجیره تداعی گسترده‌ای دارند و فضای شعر را به طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در تصاویر خلق شده از سوی ابتهاج، این عاطفه کاملاً نمایان است. به این معنی که تصویرها، صرفاً برای توصیف و تزئین نیامده‌اند، بلکه از عواطف شاعر نشأت می‌گیرند. او احساس شکست و یأس خود را در اشیاء و طبیعت تسری می‌دهد. وحدت روحی و عاطفه یکدست ابتهاج بر همه اشعار او سایه انداخته است. در حقیقت، اندوه و یأس و شکست، یک درونمایه مسلط در شعر ابتهاج است که در لابه‌لای تصاویر، ساختار و سبک شعری او به وضوح دیده می‌شود. این ایده مسلط را می‌توان همان نگرش شاعر دانست. «نگرش، ساحت پنهان ذهن و شخصیت و نوعی آمادگی ذهنی و روانی است در رویارویی با جهان و اشیاء و حوادث که در همه رفتارها و کنش‌های فرد به نحو بارزی نمایان می‌شود و در هنر غالباً توأم با هیجان است» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۷۶) و تصویر هم از همین نگرش مایه می‌گیرد.

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج ❏ ۷۱

خار حسرت زندم زخمه به تار دل ریش چون هوای گل و مرغان هم‌اواز کنم

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۴۷)

وقت آن آمد که ساغر پر کنیم از خون دل کز می‌لعلت تهی شد جام حسرت‌نوش چشم

(همان: ۴۷)

آن یوسف چون ماه را از چاه غم بیرون کشید در کلبه احزان چرا این ناله محزون کنید

(همان: ۱۲۸)

درد هجران عزیزان به جهان چند کشیدم همه رفتند، خدا را تو بمان ای ساقی

(همان: ۱۸۶)

تشبیه به اعتبار ابتکاری یا تکراری بودن

هوشنگ ابتهاج از متجددان و بدعت‌گذاران برجسته و نوین شعر معاصر ایران است، به گونه‌ای که مضامین بدیع رمانتیک، نوآوری در صور خیال و تشبیهات بی‌بدیل، از شاخصه‌های شعر وی محسوب می‌شود و هنرش در تلفیق انتزاع شاعرانه با حقایق تلخ روزگار و جهان عینی نهفته است. سایه در غزل‌هایش با پابندی به سنت و بهره‌گیری از سبک عراقی، تشبیهات را در دامنه‌ای گسترده به کار می‌گیرد. او مانند حافظ، استاد این سبک، ضمن استفاده از زبانی معتدل، روح و زبانش را هم‌چون آینه‌ای شفاف در برابر طبیعت و اشیاء قرار می‌دهد و آن‌ها را همان‌طور که هستند، درک می‌کند و به مخاطبش باز می‌نمایاند. بر این اساس، بخشی از تشبیهات ابتهاج، زمینه کهن دارد، یعنی به نحوی با شعر کهن در ارتباط هستند، به ویژه این که یکی از بن‌مایه‌های شعر ابتهاج، کهن‌گرایی و استفاده از مضامین کهن ادب فارسی است.

شرمم از آینه روی تو می‌آید اگر نه آتش آه به دل هست نگویی که فسردهم

(همان: ۲۷)

این نمونه و موارد فراوان دیگر، نظیر حلقه گیسو و سمند شوق، به کرات در آثار گذشتگان دیده می‌شود، اما رفته‌رفته ابتهاج با بهره‌گیری از تصاویر زیبا و دلنشین، حالات روحی و روانی

۷۲ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

خود را در دل تشبیهات جای می‌دهد. او با مفاهیم انتزاعی طبیعت، اشیاء و حیوانات همراه و همدل می‌شود و حالات روحی خود را به آن‌ها تسری می‌دهد. این حس هم‌جوشی وی موجب می‌شود تا احساس و آگاهی خود را به آن‌ها منتقل کند. از این رو، ابتهاج، خودش را در جایگاه مشبه، بیشتر به عناصر طبیعی چون: سبزه، چمن، درخت و... تشبیه می‌کند که گویای نوعی طراوت و تازگی در ضمیر ناخودآگاه اوست:

به سان سبزه، پریشان سرگذشت شبم نیامدی تو که مهتاب این چمن باشی

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۹۵)

شاعر با برقراری پیوند با طبیعت، نوعی نوآوری مبتکرانه در حوزه کاربرد تشبیه در غزل ایجاد کرده است. او همچنین با برقرار کردن ارتباط بین عناصر انتزاعی و عناصر دیگر به ویژه عناصر طبیعی، فضای گسترده‌تری برای درک زیبایی کلامش ایجاد می‌کند. این ابتکار، احساس لطیف شاعرانه را هرچه بیشتر شفاف و روشن می‌سازد و به خواننده القا می‌کند. البته، مفاهیم انتزاعی که ابتهاج در شعرش به کار گرفته است، چندان گسترده و وسیع نیست، ولی در میان آن‌ها مفاهیمی چون: عشق، امید، غم و آرزو، نمود بیشتری دارد. تشبیهات مرتبط با این مفاهیم اغلب به صورت بلیغ هستند. شاعر، ماهرانه در عناصر طبیعی دخل و تصرف می‌کند و عناصر انتزاعی را با قدرت تخیل به آن‌ها پیوند می‌زند و نوآوری ایجاد می‌کند. عشق مفهومی انتزاعی است که برای مخاطب از راه عینی محسوس نیست، اما ابتهاج با تشبیه کردن آن به آب، میان آن و عنصری طبیعی ارتباط برقرار می‌کند و درک آن را برای مخاطب آسان‌تر می‌سازد:

به آب عشق توان شُست پاک دست از جان چه عاشق است که دست از جهان نشسته هنوز

(همان: ۲۱۲)

مرگ نیز عنصری انتزاعی است که ابتهاج آن را به عنصری طبیعی، یعنی داس تشبیه می‌کند و از این طریق، آن را برای مخاطب عینی و محسوس می‌سازد.

تگرگ از درختان فرو ریخت برگ درو کرد این کشته را داس مرگ

(همان: ۲۴۱)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۳۸

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج □ ۷۳

نکته مهم دیگر در این باره، تحولی است که شعر نو در حوزه‌های مختلف شعر به وجود آورد. از عروض گرفته تا معانی و بیان. یکی از این حوزه‌ها، صورت‌های خیالی است. از آنجا که در شعر نو بسیاری از مسایل جدید مطرح می‌شوند، نگرش نسبتاً تازه‌ای بر شعر حاکم می‌شود. به علاوه، نباید تناسب زبان و تصویر را نادیده گرفت. زبان معاصر، زبانی است که بیشترین مایه را از زبان مردم می‌گیرد. بنا بر این، طبیعی است که تصاویری را برگزیند که با این زبان سازگاری داشته باشد. از این رو، بدیهی است که بخشی از تصاویر در شعر سایه تازه و مبتکرانه باشد.

سحر کز باغ پیروزی نسیم آرزو خیزد چه پرچم‌های گلگون کاندرا آن شادی برقصانیم

(همان: ۲۴۱)

برتری تشبیه‌های اثباتی بر تشبیه‌های اتفاقی

تصاویر شعری را به لحاظ کارکرد، به دو دسته تصویر اثباتی و اتفاقی تقسیم می‌کنند. تصویر اثباتی «مولود یک ادراک حسی و حاصل اندیشه‌ای عقلانی است. مدلول کلمات این نوع تصویر، از معانی حرفی تجاوز نمی‌کند و در سطح معنی ظاهری و قریب یا صرفاً در توصیف و بیان متوقف می‌شود». (فتوحی، ۱۳۸۹: ۵۸) در واقع، تصویر ابزاری است برای توضیح تجربه و تشریح اندیشه. این تصاویر از آنجا که برای اثبات یک معنی یا موضوع آفریده می‌شوند، تصویر اثباتی نام دارند. برخلاف تصویر اثباتی، تصویر اتفاقی در پی اثبات چیزی نیست و «نوعی تصویر است که به صورت اتفاقی و نیندیشیده بر زبان شاعر می‌روید، این نوع تصویر فرزند ناخودآگاه است». (همان: ۶۰)

تشبیهات ابتهاج بیش از آن که جنبه تصویری و تزیینی داشته باشند، در حکم ابزاری برای القای هدف هستند و این موضوع یکی از دلایلی است که سبب شده شعر ابتهاج بیش از آن که شعر باشد، جنبه روایی داشته باشد. دلیل عمده این موضوع، صبغه اجتماعی سروده‌های اوست.

گفتمان‌هایی پیرامون تشبیهات ابتهاج

بر اساس روش تحلیل گفتمان، برای کاربرد تشبیه در شعر ابتهاج با مشخصاتی که ذکر شد، دلایلی وجود دارد که شاعر آگاهانه و یا ناخودآگاه به گزینش آن‌ها دست زده است. عموماً زمانی یک ویژگی گفتمان‌مدار تلقی می‌شود که آگاهانه به کار رفته باشد، اما اگر با کاربرد ضمیر ناخودآگاه آشنا باشیم و رمز و رازهای این بخش از وجود خود را بشناسیم، خواهیم دانست که غیرمنطقی و بعید نیست که عنصری دارای خاصیت گفتمانی باشد، اما آگاهانه انتخاب نشده باشد یا به عبارتی، حاصل ضمیر ناخودآگاه باشد. «ناهویشیار هوشمند یا ضمیر ناخودآگاه یا ناآگاه دربرگیرنده پدیده‌های روانی و فرآیندهای زندگی است که به وسیله شناسایی ادراک نشده و فاقد کیفیت آگاهی هستند. ناخودآگاه انباری است پر از تمایل‌ها، آرزوها و خاطرات خارج از دسترس که بر اندیشه‌ها و اعمال تأثیر دارند». (نولن هوکسما و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵۷) افزون بر این، ناخودآگاه به صورت غیرمستقیم تأثیرات مثبتی روی خودآگاه آدمی می‌گذارد. بنا بر این، می‌توان گفتمان‌هایی را که از تشبیهات شعری ابتهاج برداشت می‌شود، این‌گونه برشمرد:

گفتمان‌های ناخودآگاه

گزارش احساسات و عواطفی چون: ناامیدی و شکست، اضطراب و هراس، غم و اندوه که با زبانی صمیمی، روان و دلنشین از دغدغه‌هایمان سخن می‌گوید، حسب‌حال‌نویسی نام دارد که بیشتر حوادث مهم و مورد توجه در زندگی گذشته نویسنده را بیان می‌کند. غم و اندوه گاه از هجران معشوق، دوری از وطن و مرگ عزیزان، و گاه نیز از ناکامی‌ها، شکست‌ها و یا غم افراد جامعه و دیگران نشأت می‌گیرد. ابتهاج غم و اندوه خود و جامعه را به گونه‌ای بیان می‌دارد که خواننده را با خود هم‌دل می‌کند. این احساس بیشتر از غم افراد جامعه ابراز می‌شود و شاعر را نیز در غم فرو می‌برد و با مردم شریک می‌کند. شاعر در این باره می‌سراید:

صبر کن ای دل پر غصه در این فتنه و شور
گرچه از قصه ما می‌ترکد سنگ صبور

بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج □ ۷۵

از جهان هیچ ندیدیم و عبث عمر گذشت ای دریغا که ز گهواره رسیدیم به گور

(ابتهاج، ۱۳۸۶: ۱۷۶)

گفتان‌های خودآگاه

ابتهاج سلاح شعر را در زمینهٔ اعتراض، خشم، مبارزه، سیاست و عشق به آزادی و انقلاب به کار می‌گیرد و همت خود را به اعتراض سیاسی و عمل اجتماعی معطوف می‌دارد. شعر ابتهاج، به سبب رسواکردن زمانهٔ نابسامان، و آشکارکردن مضامین ممنوعه، طرفدارانی پیدا کرد؛ در نتیجه این گونه اشعار ضرورتی برای اجتماع به شمار آمد و ادبیات را به عرصهٔ اجتماع و سیاست وارد کرد.

در آمیختن غزل با ادبیات انقلابی و پویا، از ویژگی‌های شعر شاعر است. در نتیجه، از این زمان به بعد است که سایه، بیان عواطف و احساسات انسانی را از عواطف فردی و شخصی مهم‌تر می‌داند. پرداختن به مضامینی چون: توجه به فقر، فساد و نابرابری‌های اجتماعی، عشق در مبارزه، ذهنیت غنایی به مسایل اجتماعی و امید و آرمان‌گرایی، این دسته از اشعار سایه را در گروه رمانتیسم اجتماعی قرار می‌دهد. ابتهاج از وضعیت اجتماعی تحمل‌ناپذیر در سرتاسر کشور شکوه دارد و کمک می‌طلبد:

خونابه گشت دیدهٔ کارون و زنده‌رود ای پیک آشنا برس از ساحل ارس
صبر پیمبران‌هام آخر تمام شد ای آیت امید به فریاد من برس

(همان: ۷۴)

شاعر غربت در وطن را درد بزرگی می‌داند که پس از کوچ یاران از وطن، به علت نابسامانی‌های اجتماعی، پررنگ‌تر شده است:

چه غریبانه تو با یاد وطن می‌نالی من چه گویم که غریب است دلم در وطنم
همه مرغان هم‌آواز پراکنده شدند آه ازین باد بلاخیز که زد در چمنم

(همان: ۱۹۳)

۷۶ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

ذکر این نکته ضروری است که خشم و اعتراض از آنجا که ریشه در سرشت آدمی دارند، ممکن است در شعر بسیاری از شاعران دیده شود، اما این موضوع در شعر ابتهاج یک گفتمان است که از سوی شاعر تبلیغ می‌شود. به این معنی که جزیی از ایدئولوژی شاعر است. در تعریف ایدئولوژی گفته‌اند: «درکی از جهان که به طور ضمنی در هنر، قانون، فعالیت‌های اقتصادی و در جلوه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی تجلی پیدا می‌کند». (فرکلاف، ۱۳۸۲: ۱۰۲) به عبارتی، منظور از ایدئولوژی مجموعه ارزش‌ها یا نظام اعتقادی است که زبان متن منتقل می‌کند.

خشم و اعتراض ابتهاج یک روی دیگر دارد و آن مبارزه است. او یک مبارز سیاسی بود و حضورش در حزب توده که مقابل حکومت وقت قرار داشت، یکی از مصداق‌های این مبارزه به شمار می‌آمد. بعد از فروپاشی حزب و زندانی شدن اعضای آن، بسیاری از مبارزان دست از فعالیت‌های خود برداشتند. در حقیقت، محدودیت‌ها و شکنجه‌ها و زندانی کردن‌ها، مجال و جرأتی برای مبارزه آن‌ها باقی نمی‌گذاشت. در این میان، نوشته‌ها و شعرها ابزار تأثیرگذار برای مبارزه بود. به ویژه شعر که به دلیل داشتن قابلیت‌هایی از قبیل: ابهام، چندلایگی و کتمان‌گری کارایی بیشتری داشت. منظور از چندلایگی، پیچیدگی‌های زبانی و هنری است که به شاعر این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از ابزارهای شعری منکر آن شود. ابتهاج نیز، به عنوان یک شاعر مبارز، از شعر در جهت تبلیغ ایدئولوژی خود بهره برده است.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تشبیه به عنوان رایج‌ترین صور خیال شاعرانه، در غزلیات ابتهاج از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. او از جمله شاعرانی است که برای بیان اندیشه‌های خود، به زیبایی از انواع تشبیه استفاده کرده است. اگرچه شهرت ابتهاج بیشتر به درون‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی و تا حدی مضامین عاشقانه‌ای است که در اشعار خود متجلی ساخته، ولی می‌توان تا حدودی وی را شاعری تشبیه‌گرا دانست که با هنرمندی فن تشبیه را در خدمت مضامین سیاسی و اجتماعی درآورده است. تصاویر زیبا و خیال‌انگیز اشعار ابتهاج، نشان از ذوق سرشار شاعری وی دارد. ابتهاج در تشبیهات خود، گاه از عبارات‌ها و ترکیب‌هایی استفاده می‌کند که برای خواننده، تداعی‌کننده شعر شاعران متأخر ادبیات فارسی، خاصه حافظ است. در بررسی تشبیهات شعری ابتهاج نتایج ذیل به دست آمد:

– ۱۳/۲۵ درصد تشبیهات حسی به حسی هستند، ۴/۸۸ درصد حسی به عقلی یا بالعکس.

– ۷/۵ درصد تشبیهات مرسل و ۱۰/۶۲ درصد موکد هستند.

– ۶/۰۴ درصد تشبیهات مفرد به مقید، ۱۱/۴۵ درصد مفرد به مفرد هستند و ۱/۲۵ درصد

شامل

تشبیهات مفرد به مرکب و بالعکس می‌شود.

– ۱۲/۷۵ درصد تشبیهات، مجمل و ۵/۲۰ درصد مفصل هستند.

– ۹/۵۸ درصد وجه‌شبه‌ها تحقیقی، ۸/۱۲ درصد تخیلی هستند.

– ۱/۲۵ درصد تشبیهات مفروق، مضمّر و تفضیل، ۸/۹۵ درصد تشبیه بلیغ و ۱/۲۵ درصد

تشبیهات تمثیل هستند.

– ۵۵ درصد تشبیهات ابتکاری و نو هستند، ۲۵ درصد تشبیهات زمینه کهن دارند.

نتایج فوق نشان می‌دهد که سبک ابتهاج در حوزه تشبیه واقع‌گرایی است. در سبک واقع‌گرا، واژه‌ای ارزشمندتر است که تصویر روشن‌تر و قطعی‌تری به خواننده ارائه دهد. زبان روزمره، آکنده از واژگان حسی و تصاویر عینی است و مردم عادی کمتر از واژگان تجریدی و

۷۸ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

ذهنی استفاده می‌کنند. به همین سبب، شاعری که می‌خواهد از دریچه شعر با مردم سخن بگوید باید این نکته را در نظر داشته باشد و این در شعر اجتماعی یک اصل محسوب می‌شود. در شعر ابتهاج، اغلب گفتمان‌ها آگاهانه انتخاب شده‌اند، هرچند در مواردی نیز، ردپای ناخودآگاه شاعر در این گفتمان‌ها دیده می‌شود. گفتمان‌های موجود در شعر ابتهاج را بنا بر تشبیهات شعری او می‌توان به دو دسته خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم کرد. بررسی اجزای شعر ابتهاج از دید سبک‌شناسی و با استفاده از روش تحلیل گفتمان، نشان‌دهنده ابعاد سیاسی، اجتماعی و غنایی شعر اوست.

منابع و مأخذ

- ۱- ابتهاج، هوشنگ. سیاه‌مشق. تهران: کارنامه، ۱۳۸۶.
- ۲- احمدنژاد، کامل. فنون ادبی. تهران: پایا، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۳- اقبالی، ابراهیم؛ علی‌محمدی، جعفر، «تشبیه مضمر در شعر سنت‌گرای معاصر، انواع و کارکردهای آن (با تأکید بر آثار بهار، شهریار، رهی، سایه و امیری فیروزکوهی)»، مجلهٔ زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، سال ۶۶، شمارهٔ ۲۲۸، ۱۳۹۲.
- ۴- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: بنگاه، ۱۳۸۱.
- ۵- حسن‌لی، کاووس. گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث، ۱۳۸۳.
- ۶- رستگار فسایی، منصور. تصویرآفرینی در شاهنامه. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۳.
- ۷- ساورسغلی، سارا. ای عشق همه بهانه از توست. تهران: سخن، ۱۳۸۷.
- ۸- شمیسا، سیروس. بیان و معانی. تهران: فردوس، ۱۳۷۲.
- ۹- ——— بیان. تهران: فردوس، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
- ۱۰- طالبیان، یحیی؛ محمدی‌افشار، هوشنگ، «تشبیهات هنری در غزل سعدی»، نشریهٔ زبان و ادبیات فارسی، شمارهٔ ۲۲، ۱۳۸۴.
- ۱۱- طبیبیان، سیدحمید. برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- ۱۲- علوی‌مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. معانی و بیان. تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۳- غلامرضایی، محمد. سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- ۱۴- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد؛ محسنی، مرتضی؛ شاکری‌نسب، بهادر، «تشبیه و توصیف، دو ویژگی سبکی شعر ابتهاج»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، سال ۱، شمارهٔ ۲، ۱۳۸۹.
- ۱۵- فتوحی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۱۶- فرکلاف، نورمن. تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمهٔ فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر مطالعات و توسعهٔ رسانه‌ها، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- ۱۷- کروچه، بندتو. کلیات زیباشناختی. ترجمهٔ فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳۴۴.

۸۰ بررسی و کاربرد تشبیه در غزلیات هوشنگ ابتهاج

۱۸- کزازی، میرجلال‌الدین. بیان. تهران: کتاب‌ماد، ۱۳۷۵.

۱۹- نولن هوکسما، سوزان؛ همکاران. زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هلیگارد. ترجمه مهدی گنجی، تهران: ساوالان، ۱۳۹۰.